



## زندگی سرشار از ناگفته‌هاست

مصاحبه با دکتر اسلامی ندوشن

مریم سید حسینی

که قرار است در اردیبهشت ماه مراسم بزرگداشتی برای دکتر اسلامی ندوشن در یزد برگزار شود. انگیزه‌ای در خود می‌یابم که در این باره مقاله‌ای بنویسم به سراغ کتاب تک درخت می‌روم و تازه متوجه گستردگی و عظمت موضوع می‌شوم.

چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۴  
امروز نخستین روز مراسم بزرگداشت دکتر اسلامی ندوشن است جلسه صبح به دانشجویان دانشگاه یزد اختصاص دارد. در سالن جوانان هلال احمر هشتم استادانی که

در کلاس روش تحقیق من هشتم و ۱۸ نفر دیگر، کلاس فوق لیسانس و این همه جمعیت، استاد می‌گویند تاکنون سابقه نداشته است! دکتر جلالی درباره روش تحقیق برای نگارش پایان‌نامه درس می‌دهد باید در ایام نوروز مقاله‌ای بنویسیم تا معلوم شود که بخشی از موارد تدریس شده را عملاً می‌توانیم در نگارش مقاله اجرا کنیم

از تهران دعوت شده‌اند درباره آثار دکتر اسلامی ندوشن سخن می‌گویند بعد آن فرزانه سپید موی را می‌بینم که به دعوت مجری برنامه آرام آرام به طرف میز خطابه می‌رود: جلسه پرسش و پاسخ این نخستین دیدار من با دکتر اسلامی ندوشن است نمی‌دانم چرا تصور می‌کنم که بسیار دور از دسترس پرابهت و رازآمیز است. شاید اشتباه می‌کنم شاید اشتباه من از اینجا باشد که او را با استادان خودم مقایسه می‌کنم.

پنج‌شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۴

سومین جلسه از جلسات نکوداشت دکتر اسلامی ندوشن به دیدار او با دبیران و فرهنگیان اختصاص یافته است. سالن دانش‌آموز که محل برگزاری مراسم است پر از جمعیت شده است. در میان جمعیت نشسته‌ام و به موضوع پایان‌نامه‌ام می‌اندیشم: «زندگی و آثار دکتر اسلامی ندوشن» آیا می‌توانم در نگارش آن موفق شوم؟ چگونه می‌توانم به حضور این استاد پرابهت و رازآمیز برسم؟ سخنران‌ها درباره آثار و اقدامات فرهنگی دکتر اسلامی سخن می‌گویند و سرانجام خود دکتر اسلامی در پشت میز خطابه قرار می‌گیرد و سخن می‌گوید:

«من نمی‌خواهم از آن نکوداشت‌ها و پاسداشت‌ها شامل حال من بشود. این به هیچ عنوان در روش و سبک من نبوده است شما خیلی لطف دارید و می‌خواهم عنوانی که به کار برده می‌شود یک دیدار دوستانه باشد. خوشحال هستم که عنوان این مراسم دیدار

دوستانه باقی مانده است. دلایلی داشتم که این درخواست را کردم یکی از دلایل این است که در این سال‌ها این عناوین روی هم رفته مبتذل شد و اشخاص ناهمگونی تحت عنوان بزرگداشت معرفی شدند. البته افراد با صلاحیتی در بین آنها بوده‌اند ولی یکنواخت و یکسان نبوده است و چه بسا که مقداری بهره‌برداری‌های خاص شده است یا نظراتی خاص پشت آن بوده است به هر حال این گونه بزرگداشت‌ها به طور خالص جلو نیامده و من میل ندارم که در این رده قرار بگیرم. دومین علت این است که من چه می‌خواهم؟ هر چه خواسته‌ام خیلی خیلی بیشتر از آنچه سزاوار آن بوده‌ام از خوانندگان خودم از مردم ایران گرفته‌ام و چیزی طلبکار نیستم».

لحن صمیمانه دکتر اسلامی ندوشن از اضطراب و تردید من در انتخاب موضوع پایان‌نامه می‌کاهد، مراسم که تمام می‌شود دکتر جلالی مرا به استاد معرفی می‌کند بر خلاف تصور و پیشداوری قبلی‌ام با مهربانی شماره تلفن خود را در اختیارم می‌گذارند و قرار می‌شود که بعداً برای طرح سوالات به خدمت ایشان برسم.

دوشنبه ۲۷ تیر ۱۳۸۴ تهران

قرار است که ساعت ۵/۵ عصر به خدمت استاد برسم، هجده سوالی که با مشورت دکتر جلالی طرح کرده‌ام در اختیار استاد قرار می‌دهم، استاد سوال‌ها را مرور می‌کنند و می‌گویند بهتر است جواب آنها را به صورت مکتوب بنویسم. خوشحال می‌شوم

که پذیرفته‌ام که به این سوالها پاسخ دهند.

شنبه اول مرداد ۱۳۸۴ تهران

عصر به دیدار استاد می‌روم برخلاف دیدارهای پیشین دیگر احساس اضطراب ندارم پاسخ مکتوب سوالها را می‌گیرم برخلاف تصورم بسیار کوتاه پاسخ داده‌اند می‌گویم ای کاش درخواست کرده بودم که پاسخ سوالها به صورت شفاهی باشد تا در میان پاسخهای استاد سوالات دیگری را مطرح کنم. اما ناامید نیستم به خود امیدواری می‌دهم که در دیدارهای دیگر سوالهای دیگری را که راهگشای پایان‌نامه‌ام باشد مطرح خواهم کرد.

\*\*\*

اما سوالهای من و پاسخهای استاد اسلامی ندوشن از این قرار است:

در حالی که در میان شاعران دهه سی به عنوان محمد علی اسلامی مشهور بودید پسوند ندوشن از چه زمانی و با چه انگیزه‌ای در کنار نام شما ظاهر شد؟

دکتر اسلامی ندوشن: خیلی ساده است نام اسلامی فراوان است. من خواسته‌ام با اضافه کردن کلمه ندوشن که در شناسنامه من هم هست با دیگران مخلوط نشوم. اکنون در سراسر ایران فقط یک تن با نام محمد علی اسلامی ندوشن است و دومی ندارد.

در مصاحبه گفته‌اید در ایران هنوز کسی به دنیا نیامده که بتواند هر آنچه در دل دارد بگوید. آیا در کتاب روزها ناگفته‌هایی از زندگی شما وجود دارد که اطلاع از آن

برای خوانندگان آثار شما موثر باشد؟  
دکتر اسلامی ندوشن: البته ناگفته‌هایی وجود دارد زندگی بدون ناگفته‌ها به سر نمی‌رود. از یک جهت علت آن بود که نمی‌خواستم از کسی بدگویی بکنم.

در کتاب روزها شرحی از دل‌بستگی‌های عاطفی خود نداده‌اید در حالی که شما نویسندگانی پراحساس هستید و خودتان نیز به این امر معترف هستید جایگاه عشق در زندگی شما چگونه بوده است؟

دکتر اسلامی ندوشن: موضوع عاطفی بودن که به آن اشاره کردید به هر منظور باشد مربوط به شخص خود انسان است. عشق در نزد من جایگاه بلندی دارد و ما این جایگاه را از غزل‌سرایان فارسی داریم به قول حافظ:

سخن عشق نه آن است که آید به زبان  
ساقیا می‌ده و کوتاه کن این گفت و شنفت!

سومین روز دیدار دوستانه با شما به دیدار مردم ندوشن با شما اختصاص داشت. در این سفر همانگونه که همگان شاهد بودند استقبال مردم بی‌نظیر بود و این در حالی است که بخشی از مردم ندوشن ممکن است آثار شما را نخوانده باشند. چه عاملی باعث شد که در این سالها خیلی کم به ندوشن سر بزنید؟

دکتر اسلامی ندوشن: عامل دیگری جز گرفتاری و کار نبوده است. مردم ندوشن به خانواده ما محبت بسیار دارند و من نیز لحظه‌ای از یاد آنها غافل نبوده‌ام بدون ندوشن من آنچه هستم نمی‌بودم.

در اینجا برای تکمیل بحث بخشی از

سخنرانی دکتر اسلامی ندوشن که در جمع مردم ندوشن در روز جمعه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۴ ایراد شد آورده می‌شود:

من مدیون پدران شما، مادران شما و همه کسانی هستم که در میان آنها زندگی کرده‌ام و بعد از جهات مختلف وسیله‌ای شدند تا بتوانم در راه زندگی بیالم و مایه بگیرم، صمیمانه مدیون آنها هستم و بسیار متأسفم که نتوانستم در زندگی کمی از دین آنها را جبران کنم، در جای دوردستی زندگی می‌کردم و فرصت نبود که بتوانم به اینجا بیشتر سر بزنم و باز از این جهت عذر می‌خواهم. فقط بگویم که چرا نتوانستم کمکی از این بابت به این سرزمین داشته باشم: یک علت این بود که هیچ وقت نظر به یک جزء به یک قسمت ایران نداشتم و هر چه را برای اینجا می‌خواستم برای کل ایران می‌خواستم و آنچه که در زندگی طلب کردم برای کل کشور بود. دومین علت این بود که هیچ وقت در زندگی با حکومت‌ها رابطه گرمی نداشتم، نمی‌توانستم و نمی‌خواستم خواهش کنم، یا در این باره وسیله‌ای فراهم کنم، این بود که موضوع را به حال خود گذاشتم هر چند که دورادور نگران و ناظر این قریه بودم... بدانید که به یادتان هستم و امیدوارم عمری باشد تا در فضای آرامتری در خدمت شما باشم.

با توجه به اظهار محبت بی‌شائبه مردم ندوشن، آیا از این که در کتاب روزها نامی از ندوشن نبرده‌اید و با عنوان کبوده از آن یاد کرده‌اید اکنون در تصمیم اولیه

خود احساس تردید نمی‌کنید؟

دکتر اسلامی ندوشن - نام ندوشن و یزد را به علت آن که کتاب جنبه محلی پیدا نکند نبرده‌ام، البته در جلد آخر توضیح خواهم داد که منظور از «کبوده» و «شارسان» چه جاهایی بوده است.

بعد از انقلاب، مخصوصاً با بازنشسته شدن شما از دانشگاه تهران که دیگر وابستگی شغلی‌ای در کار نبود، چرا همانند خیلی از محققان و پژوهشگران مثل دکتر ذبیح‌آبادی... صفا، دکتر جلال متینی، دکتر احسان یارشاطر، دکتر محمدجعفر محجوب و دیگران اقامت در خارج از کشور را برگزیدید؟

دکتر اسلامی ندوشن - ما هرگز قصد نداشته‌ایم که در خارج از ایران زندگی کنیم: «بر این زادم و هم بر این بگذرم!» خارج از خاک ایران، زندگی برای ما بی‌معنا می‌شود.

در حالی که شخصاً مخالف برگزاری مجلس نکوداشت و بزرگداشت برای خودتان بودید، اکنون حاصل متفاوت «دیدار دوستانه» اردیبهشت ماه با مردم یزد و ندوشن را که برخلاف دیگر مراسم بزرگداشت‌های معاصران در سه روز برگزار شد چگونه می‌بینید؟ آیا تصور نمی‌کنید که میان نکوداشت‌های دولتی و بزرگداشت‌های مردمی باید فرق گذاشت؟

دکتر اسلامی ندوشن - ابراز احساس و

حق شناسی مردم البته بسیار گرانبهاست، زیرا مردم در درازمدت اشتباه نمی کنند اما آنچه از جانب مقامات و دولت بیان گردد نشانه «قبول خاطر» دولت است که اعتباری ندارد زیرا برحسب سود و زیان مقامات سنجیده می شود.

یکی از بخش های دل انگیز خاطرات نویسندگان، شرح روابط آنها با دیگر نویسندگان و شاعران هم عصر خود است. آیا قرار است که در جلد چهارم کتاب «روزها» این مباحث مطرح شود یا در این مورد نیز معتقد به «انتخاب» و «گزینش» هستید؟

دکتر اسلامی ندوشن: از بعضی از آنان حرف به میان خواهد آمد.

گویا با مرحوم دکتر احمد فردید هم مراوده داشته اید، چون دکتر فردید یک فلسفедان یزدی است که آل احمد از یزدی بودن و فلسفедان بودن او به عنوان جمع نقیضین اظهار حیرت کرده است. شما اندیشه های دکتر فردید را چگونه ارزیابی می کنید، مخصوصاً که می گویند اصطلاح «غرب زدگی» را اول بار او به ایران آورده است؟

دکتر اسلامی ندوشن: من با مرحوم دکتر فردید آشنا بودم و یکی دوجا به این موضوع اشاره کرده ام. این امر هیچ ارتباطی به یزدی بودن آن مرحوم نداشته است، در جلد چهارم «روزها» قدری بیشتر راجع به او حرف خواهم زد. اصطلاح غرب زدگی را

که ترجمه occident talise است گویا او نخستین بار باب کرده است و مرحوم آل احمد از او گرفته است.

منتقدان شعر معاصر گفته اند که شعر مکتب وقوع از نوع امروزی آن که به شرح روابط عاشق و معشوق می پردازد و تا مرز بیان ناگفتنی های این روابط پیش می رود برای اولین بار از اشعلد شما شروع شده و بعداً فروغ فرخزاد و فریدون توللی از شما تاثیر پذیرفته اند، تا چه اندازه این نظر را می پذیرید و آیا اصولاً خود شما تحت تاثیر شاعران فرنگی این گونه شعرها را سروده اید؟

دکتر اسلامی ندوشن: من در این باره فکر نکرده ام که آیا کسانی از من تاثیر پذیرفته اند یا نه. اگر منظور شعر عاشقانه است ادبیات فارسی در آن سابقه درازی دارد منتها فرنگی ها بیشتر وارد جزئیات می شده و برهنه تر حرف می زده اند. من گمان می کنم که اقتضای زمان ما این بوده است که ما هم قدری بی پرده تر حرف بزنیم.

بعد از سال ها دوری از شعر سرودن، اخیراً مجموعه رباعیات شما با عنوان «بهار در پاییز» با خط زیبای استاد امیرخانی منتشر شده است. چون بحث شعر «هایکو» در روزگار ما گرم است، آیا روی آوردن شما به رباعی که نوعی «هایکو» ایرانی است انگیزه خاصی دارد؟

دکتر اسلامی ندوشن: این چند رباعی ارتباطی با «هایکو» نداشته اند. ما خود در

روک

نشریه فرهنگی/هنری/اجتماعی

زبان فارسی سابقه قدیم رباعی سرایی داریم، هرکسی خواسته است حرف «کوتاه و گویا» بزند به رباعی روی برده است.

در یکی از مصاحبه‌های خودتان گفته‌اید که آثارتان را قبل از انتشار کسی نمی‌خواند و نوعی حالت رازداری نسبت به نوشته‌های خود دارید در حالی که در شرح حال نویسندگان ایرانی و به ویژه نویسندگان خارجی می‌خوانیم که آثارشان را برای دوستانشان می‌خوانده‌اند و نظر آنها را جویا می‌شده‌اند. آیا این روش شما بیانگر نوعی بی‌اعتمادی به دیگران نیست؟

دکتر اسلامی ندوشن: نه، این بسته به سلیقه است، هر کسی روشی دارد، من تا نوشته‌ای انتشار نیافته (آن را) جزء نوشته به حساب نمی‌آورم. گذشته از این فاصله میان نوشته من و نشر آن چندان نیست.

در روزگاری که شما نشرنویسی را شروع کردید دو سرمشق برای نشرنویسی در آن روزگار وجود داشت: یکی علی دشتی و دیگری زین العابدین رهنما، شما به کدامیک از آنها بیشتر احساس تمایل می‌کردید و آیا این تمایل را می‌توان علت‌یابی هم کرد؟

دکتر اسلامی ندوشن: من به هیچ یک از آن دو نظر نداشته‌ام، زبان فارسی پخته‌ای بسیار وسیع‌تر دارد، هر کسی باید راه خود را پیدا کند.

در میان نشر محققان دانشگاهی (مثل دکتر زرین کوب، دکتر یوسفی و...) نشر

کدامیک از آنها را بیشتر می‌پسندید؟

دکتر اسلامی ندوشن: موضوع نشر اهمیت درجه دوم دارد، باید دید که هرکسی چه حرفی برای گفتن دارد.

استاد قبلاً در این باره گفته‌اند: متأسف می‌شوم هرگاه بشنوم که بر شیوه نگارش تکیه شود و محتوا در سایه بماند. این دو را نمی‌شود از هم جدا کرد... شیوه نگارش به خودی خود چیزی نیست چون لباس بر تن انسان است، باید بار معنا به آن جان بدهد و توجیهش کند.

اخیراً کتابی از شما منتشر شده با عنوان «از رودکی تا بهار» میان این کتاب و کتاب‌هایی از قبیل «با کاروان حله» و «چشمه روشن» تفاوت زیادی وجود دارد. آیا تماماً خواسته‌اید که در پرداختن به شعر شاعران کلاسیک روش دیگری پیش‌گیرید و اصول و مبانی این روش در نظر شما چگونه بوده است؟

دکتر اسلامی ندوشن: در ادبیات هر کسی دید خود را دارد. ادبیات مانند آینه است که هر کسی خود را در آن می‌بیند. دیگران هم در آینه باز در این باره خواهند نوشت، هیچ وقت حرف تمام نمی‌شود.

(استاد قبلاً درباره تفاوت کار خود با دیگر محققان گفته‌اند: در اثر ادبی یک پوسته داریم یا قشر بیرونی و یک جوهره درونی یا مغز، بنابراین دیدگاهی که در ایران اعمال شده یعنی از زمان اوایل حکومت رضاشاهی تا به حال،

ناظر به تجزیه و تحلیل پوسته بیرونی اثر بوده است. البته کار درست و لازمی بوده یعنی شناخت دقیق‌تر یک اثر ادبی باید از اینجا شروع شود که اجزاء بیرونی به خوبی شناخته شوند و چگونگی ترکیب آنها معلوم گردد و وقتی که این‌ها خوب شناخته شدند آن وقت عبور از این مرحله که به منزله دالانی است صورت می‌گیرد و وارد شبستان اصلی می‌شوید که همان مغز و جوهر اثر باشد. مرحله دیگر این است که اثر چه جان و روحی دارد و چه می‌خواهد بگوید و مبین چه نوع زمان و مکانی است. چه مقتضیاتی پشت آن قرار گرفته و چه چیزهایی می‌توان از آن آموخت. باید گفت که اثر ادبی بخصوص در ایران تنها این نیست که از آن لذت ادبی برده شود بلکه این است که چه چیزهایی از آن می‌شود آموخت. کدام گوشه از تاریخ فکر ایران را روشن می‌کند.

همه کسانی که در مجلس «دیدار دوستانه» با شما درباره نوع نگرش شما سخن گفته‌اند از نوعی «تعادل» در تفکر شما سخن گفتند. خودتان نیز در مصاحبه‌ای از تعادل میان عقل و احساس در خودتان سخن گفته‌اید. علت این تعادل را در جامعه‌ای که همواره در دو سوی افراط و تفریط حرکت می‌کرده است در

چه می‌دانید؟ آیا چنین جامعه‌ای می‌تواند چنین فرزند متعادلی داشته باشد یا علت را باید در جای دیگری جستجو کرد؟ دکتر اسلامی ندوشن: این یک کوشش است، یک تلاش است. مردم ایران چون ذاتاً احساساتی و برافروخته هستند باید سعی کنند که خود را به جانب عقل‌گرایی بکشانند. من هم نمی‌گویم موفق شده‌ام ولی این کوشش را داشته‌ام، ایران راهی جز این در پیش ندارد.

با توجه به این که همسر شما خانم دکتر شیرین بیانی، استاد تاریخ و پژوهشگر تاریخ ایران هستند آیا تاثیراتی هم از نحوه برداشت‌های تاریخی ایشان در آثار خود احساس می‌کنید؟

دکتر اسلامی ندوشن: ممکن است در مواردی نظر مشترک باشد و در مواردی هم نباشد. من بیشتر به تاریخ در ارتباط با ادبیات و تفکر ایرانی نگاه می‌کنم.

گفته شده است که قرار است عواید نشر آثار شما به صورت جایزه‌ای به نام «اسلامی ندوشن» یا «ندوشن» به نویسندگان و پژوهشگران تاریخ، فرهنگ و ادبیات اختصاص یابد، تصمیم خود شما در این مورد چگونه است؟

دکتر اسلامی ندوشن: در این باره اطلاعی ندارم، کسی با من صحبتی نکرده است.